

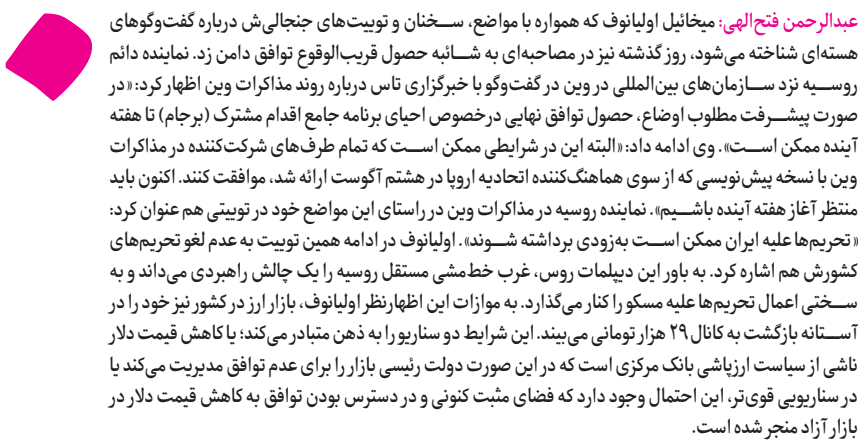


APF • تکس

دور برگردان برجام؟

رئییسی دقیقه ۹۰ گل می‌زند!‌

مواضع سیاسی و رسانه‌ای اخیر، زمزمه حصول توافق را تقویت کرد



در عین حال کابینه سبیزد هم نیز از توافق می‌گوید. حتی وزیر راه و شهرسازی دولت رئیسی هم که برجام را «بزیدی» می‌دانست، در تغییر نگاهی به‌صراحت گفت: «ما مخالف توافق نیستیم». رستم قاسمی درباره نظراتش درخصوص برجام که در فضای مجازی منتشر کرده و حواشی زیادی را به دنبال داشته است، عنوان کرد: «ما نظرات آقای

گیرد». در این بین برخی از چهره‌های جریان اصولگرا نیز از ضرورت حمایت و پشتیبانی از توافق احتمالی پیش‌رو گفتند که به نحوی تلاش برای آماده‌سازی فضای سیاسی در جهت احیای برجام قلمداد می‌شود. چنان‌که ناصر ایمانی در مصاحبه‌ای با ایسنا درخصوص لزوم ایجاد اجماع داخلی بر سر توافق احتمالی بیان کرد: «جناح‌های سیاسی به هر حال یک موضوعی را برای تهاجم به هم لازم دارند که توافق برجام می‌تواند یکی از آن موضوعات باشد. در مورد این توافق هم اختلاف‌نظر خواهیم داشت. اصلاح‌طلبان از این توافق ابراز شادمانی نخواهند کرد و اعلام می‌کنند توافقی که در گذشته انجام شده بود، بهتر است. برخی جریان‌های اصولگرا هم که با اساس برجام مخالف هستند، به این توافق روی خوش نشان نمی‌دهند». این حامی دولت رئیسی در ادامه گفت: «من از ایجاد اجماع ملی که مورد انتظار است، ناامید هستم، درحالی‌که واقعیت این است که درباره این توافق بزرگ کشور با سایر قدرت‌های دنیا باید اجماع داخلی شکل بگیرد، ولو از نظر برخی جناح‌های سیاسی این توافق ایراد داشته باشد. من با شناختی که از جناح‌های سیاسی دارم، امکان ایجاد اجماع ملی را ضعیف می‌دانم، درحالی‌که همه جناح‌های سیاسی باید پشت توافق باشند». اگرچه گفته‌های ایمانی و رستم قاسمی به موازات سخنان اولیانوف و وضعیت بازار ارز شاید حکایت از چرخش تهران برای توافق داشته باشد، اما آنچه گمانه‌زنی‌ها را درباره احیای برجام و حصول توافق تقویت می‌کند، به واکنش‌های سیاسی و رسانه‌ای داخلی به‌ویژه از ناحیه مخالفان احیای برجام در چند روز گذشته بازمی‌گردد؛ چراکه هر زمان زمزمه ازسرگیری مذاکرات و حصول توافق مطرح بوده، شدت حملات علیه برجام از سوی این جریان پررنگ‌تر شده است. همچنان‌که با آغاز دور اخیر مذاکرات وین و حتی در روزهای پس از آن، تلاش‌هایی جدی در کشور برای تحت‌الشعاع قراردادن مسیر گفت‌وگوها صورت گرفت.

ولی نکته حائز اهمیت آنجاست که با حمله هادی مطر ۲۴ساله به سلمان رشدی، علاوه بر تشدید کسل جریان اصولگرا پیرامون احیای برجام، فضای جدیدی برای تکاپوها در جهت عدم حصول توافق به وجود آمده است. دور تازه تلاش‌های داخلی که حتی با حمله به تیم مذاکره‌کننده دولت رئیسی همراه شده و کماکان ادامه دارد، مبین آن است که احتمالاً توافقی در راه باشد که به تبعش این‌گونه حملات را شاهد هستیم.

در این‌بین مهم‌ترین اظهارنظر به محمد مرندی بازمی‌گردد که حکایت از نگرانی مشاور تیم مذاکره دولت رئیسی به واسطه تأثیر مخرب ترور سلمان رشدی بر حصول توافق دارد. مرندی در توییتی عنوان کرد: «من برای نویسنده‌ای که نفرت و تحقیر بی‌پایان نسبت به مسلمانان و اسلام را به همراه داشته است، اشک نمی‌ریزم. وی یک بازیچه امپراتوری است که به‌عنوان یک رمان‌نویس پاساستعماری ظاهر شده است. اما آیا عجیب نیست که با

نزدیک شدن به توافق هسته‌ای احتمالی، آمریکا ادعاهایی در مورد تلاش برای کشتن جان بولتون مطرح کرده و اکنون این اتفاق (ترور رشدی) می‌افتد؟».

این گفته‌ها واکنش‌های جدی طیف مخالف برجام را به دنبال داشت. شدت این واکنش‌ها تا توهین مستقیم به تیم مذاکره‌کننده هم پیش رفت؛ «اگر واقعا برایتان احیای توافق هسته‌ای با آمریکا این‌قدر مهم است که حتی یکی از تاریخی‌ترین فتواهای امام خمینی را مزاحم می‌دانید، بی‌جا کردید در هشت سال گذشته وقتی روحانی گفت موشک‌های سیاه مانع توافق با آمریکا هستند به او انتقاد کردید. منطق حرف شما تفاوتی با حرف روحانی ندارد» یا توییت دیگری که چنین می‌گوید: «شرم‌آور است که مرندی مشاور تیم مذاکره‌کننده ایرانی همان منطق و ادبیات منفعلانه روحانی-ظریف را به کار می‌برد و احیای توافق هسته‌ای را اصل و اجرای حکم امام خمینی را مزاحم آن می‌بیند. اصل برجام نیز آورده‌ای برای کشور نداشت که این‌چنین ذلیلانه در تمنای احیای توافق استعماری هستید» و... این گوشه‌ای از توهین‌ها به تیم مذاکره‌کننده دولتی است که نگارندگانش از حامیان آن به شمار می‌آیند.

مکمل این واکنش‌های فضای مجازی به تلاش رسانه‌های مخالف احیای برجام ختم شد. در همین راستا باید تیتراهایی با مضمون «بعد از سلمان رشدی نوبت پمپئو و ترامپ» را پاس گل داخلی به غرب برای عدم حصول توافق هسته‌ای قلمداد کرد؛ کمابینکه حافظه تاریخی نه‌چندان دور هم نشان داد که این دست تیترزنی‌ها و گل به خودی‌ها در دولت روحانی با چه اهدافی در دستور کار بود.

در سایه آنچه بیان شد و نیز با رصد مواضع مقامات اروپایی و آمریکایی، اهمیت این مانورهای داخلی، ذیل تیترزنی در سایه حمله به رشدی با هدف عدم احیای برجام بیشتر خود را نشان می‌دهد. ریشی سوناک، وزیر پیشین دارایی و نامزد تصدی پست نخست‌وزیری بریتانیا صراحتاً بیان می‌کند: «حمله به سلمان رشدی می‌تواند به منزله بن‌بست مذاکرات احیای برجام باشد». پیش از او نیز تام کاتن، سناتور جمهوری‌خواه، در واکنش به حمله به سلمان رشدی با اتهام‌زنی به ایران گفته بود: «مقامات ایران چند دهه است که خواستار کشتن سلمان رشدی بوده‌اند. می‌دانیم که آنها برای ترور مقام‌های آمریکایی نیز تلاش می‌کنند. جو بایدن باید هرچه سریع‌تر مذاکرات احیای برجام را با تهران پایان دهد».

در چنین فضایی با وجود آنکه مقامات رسمی کشور از هرگونه موضع‌گیری در قبال حمله به رشدی یا طرح اتهام تلاش ایران برای ترور بولتون و پمپئو امتناع می‌ورزند و حتی حزب‌الله لبنان نیز از ارتباط با این حمله (به رشدی) و فرد ضارب اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و در کامی رو به جلو سخنگوی وزارت امور خارجه ایران این قبیل اتهام‌زنی‌ها برای ترور بولتون را رد کرده است، طیف مخالف احیای برجام با سواستفاده از موقعیت حساس و ملتهد کنونی به

دنبال تشدید فضای بی‌اعتمادی نسبت به تهران در جهت به شکست کشاندن مسیر توافق احتمالی است.

در این‌ راه ضمن کشیدن مستقیم پای ایران به ترور سلمان رشدی و تلاش برای کشتن بولتون، پمپئو و ترامپ، حتی توهین صریح به تیم مذاکره‌کننده ایرانی نیز جایز شده می‌شود. جالب آنجاست که در یک بازه زمانی کوتاه و مشخص، آن هم هم‌زمان با دور جدید مذاکرات وین، شاهد اتهامات سلسله‌وار یا بهتر بگوییم مسلسل‌وار به ایران در جهت تلاش برای ترور برخی افسراد در داخل خاک آمریکا هستیم؛ از مسیح علی‌نژاد گرفته تا جان بولتون، مایک پمپئو، برایان هوک و حمله به سلمان رشدی. شاید توییت عباس عبدی قدری به روشن‌شدن این مسئله کمک کند. این فعال سیاسی و رسانه‌ای عنوان کرد: «اهل نظریه توطئه نیستم، ولی تصادفی‌بودن هم‌زمان خبر برنامه‌ریزی برای ترور بولتون و ترور سلمان رشدی با نهایش شدن گفت‌وگوهای احیای برجام برای من غیرقابل باور است».

مجموعه نکاتی که مطرح شد این واقعیت را گوشزد می‌کند که طیف رادیکال مخالف احیای برجام، هم در داخل ایران و هم در خارج از کشور به‌ویژه در ایالات متحده، با پرنگ‌شدن زمزمه‌های احیای برجام باز هم در یک همسویی عیان از تشدید فشار به دولت‌های رئیسی و بایدن برای عدم توافق دریغ نمی‌کنند. حال باید دید این افزایش فشارها نهایتاً به نتیجه مطلوب طیف مخالف برجام منجر خواهد شد یا اینکه تهران و واشنگتن بی‌توجه به این فشارها به سمت احیای توافق هسته‌ای خواهند رفت؟

در این رابطه توییت دیگری از عباس عبدی خطاب به رئیس‌جمهور ایران را باید معنادار دانست. این فعال رسانه‌ای نوشت: «گویا سرنوشت برجام به دست آقای رئیسی است. نمی‌دانم در نهایت چه کار خواهید کرد، ولی هر تصمیمی گرفتید باید محصول نظرات منصفانه کارشناسان باشد و درد رنج مردم را نیز در نظر بگیرید و به تدروهای بی‌مسئولیت باج ندهید. بدانید روزی که مشکلات سرازیر شود آنان پنهان می‌شوند و شما پاسخ‌گو». محمد مهاجری هم به‌عنوان یکی دیگر از فعالان سیاسی و رسانه‌ای در توییتی البته با لحن و ادبیاتی تندتر می‌نویسد: «آقای رئیسی صف‌بندی در برابر برجام کاملاً روشن شده؛ طرف کاسبان تحریم و نفت‌خواران می‌ایستید یا سمت ملت؟! فقط تا دقیقه ۹۰ می‌شود گل زد، بعد از آن ۱۰۰ تا گل یک ریال هم نمی‌ارزد. دل به مدعیان طرفداری از خودتان نبندید که خوش‌سابقه نیستند؛ احمدی‌نژاد را هم در ۲۴ ساعت رها کردیم، ما اصولگراها».

به قول مهاجری اکنون فرصت گل‌زنی دقیقه ۹۰ رئیسی فرارسیده است، اما معلوم نیست دولت سبیزدهم این گل را خواهد زد یا بسنان ادوار پیشین این فرصت هم از دست می‌رود؟ نهایتاً با وجود آنکه ظواهر امر نشان از احیای برجام می‌دهد، اما همان‌گونه که بارها گفته شد، زمانی می‌توان به احیای آن امیدوار بود که توافق حاصل شده باشد.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran